

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

تفصیلی
نامه

کوشان

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۱۵

شنبه ۱۴ خرداد ماه ۱۳۲۴

تک شماره ۴ ریال

بامیر مهاباد شوخی نکنید.

انقبای نو

در این گیرودار زنده گی، که هر روز و هر ساعت و هر آن، ناظر هزاران ناملاطم حسنین و از هر گوشه ای از مملکت مبدای تا - رضایتی های مردم طند است و از هر طرف فریاد سکنه این کشور از ظلم و جور، دزدی و ارتشاه، از جپاول و غارت و از بی سامانی بگوش میرسد و بیس کاملی از اصلاح اوضاع عمومی همه را احاطه کرده هر کس خود را از انجام کار ولو اینکه کوچک هم باشد ناتوان مبینند باز دیده میشود کسانی یافت میشوند که هدف معلومی را در نظر گرفته با جدیت

خستگی ناپذیری بسوی آن قدم بر میدارند. هر ناملاطمی را تحمل میکنند و در این محیط که از یک طرف جهل و بی سوادگی و از طرف دیگر خود خواهی و سوء نیت حکمرانان تنها یک چیز فکری میکنند و آن تنظیمت کشور است و این منظور را در این یافته اند که مردم را بیدار کنند و این بیداری را اینطور تحصیل خواهند نمود که مردم را با سواد کنند یعنی مردم بیواخته بخوانند و بنویسند.

بعوانند تا دریابند آنچه را پیشوایان و روشنفکران مینگارند و بنویسند آنچه را بنظر و فکرتشان میرسد. بعوانند تا از اوضاع دیگر ملل جهان واقف گردند اسرار برتری و پیشرفت آنان را دریابند.

بنویسند و پیشنهاد کنند راههایی را که گمان میکنند مارا بسر منزل ترقی خواهد رسانید.

بعوانند تا بتوانند خوب را از بد تشخیص دهند. بعوانند تا بی بیخون خود برند. بنویسند آنچه را ضروری تشخیص میدهند بنویسند آنچه را در دل دارند.

یاد گرفتن نوشتن و خواندن، با الفبائی که فلامورداستعمال ماست بسیار مشکل بوده سالیان دراز عبر میخواندناشعرا. بخواندن و نوشتن آشنا شود.

مدتها زحمت و سختی لازم است تا طفلی زبان مادری خود را بنویسد و بخواند.

برای اطفالی که والدین بیبضاعت دارند، چندین سال تحصیل، قطع برای یاد گرفتن «خواندن و نوشتن» مقدور نیست. برای اشخاص بقیه در صفحه ۸

دعیم با اگر اسی از استلال کرد در خارج از خاک ایران برده شده فوراً برادران خود را مورد حمله قرار دهیم یا اگر گفتند فلان تعداد تنگ از کردستان جمع شده گمان کنیم از دست همه ای راهسزن و ماجراجو و خونخوار گرفته شده است.

ما وظایف ملی بزرگی داریم و برای توفیق در انجام آن اول از خداوند متعال مدد خواسته بسدا همکاران قلمی خود را بکمک میطلبیم.

و قتی که سر ساله شوره ۶۲۷ روزنامه کیهان روز چهارشنبه گذشته را خواندم واقعاتی را دیدم.

ما اطمان داریم که معبر عرق العاده ای از طرف ادار روزنامه کیهان بسرای اطلاع از حال میر مهاباد سیاحتاً اعزام نشده زیرا اگر معبری اعزام شده بود قطعاً مطالبی در آن جرییده درج میشدند زمینه اظهارات آقای نبیسی درج مقاله میر مهاباد بیکبار دیگر ثابت نموده که نایبگوان همه جاهه نوسل میشوید ما نمیدانیم اطلاع دهنده چه شخصی بوده ولی قراین بقوسی آشکار میسازد که بساید از چه ناحیه ای باشد.

ما مسیانه بسوم همکاران روزنامه نگار خود نوسه میکتیم از لحاظ حفظ مصالح عالیله کشور با اطلاعاتی که راجع به نواحی کردشین از هر مقامی میرسد با توجه و علاقه خاصی نگریست و تا اطلاع صحیح بدست نیآورده از نوشتن و اظهار عقیده نمودن سریع خودداری کنتم نواحی کردشین مناطق حساسی هستند

مردمان مطیع و مبین پرستی دارند بجزئی نیش فلسی بسیار آزرده خاطر میشوند و این نوع آزرده گی هانا ابدی هائی بوجود خواهد آورد و این ن ناامیدی و بیاس... مامورین خان بضرر ملت و مملکت استفاده خواهند نمود قضایائی پیش خواهند آورد که بازهم بدون وجه دوبرادر بیکدیگر را هدف تیر و گلوله قرار دهند ما که وظیفه سنگینی بعهده داریم باید حتی المقدور از تکرار و وقایع تنگین برادر کشی جلوگیری کنیم باید دهر لعنه و هر قدم مواظب باشیم که تنگت سر بسازان، که باید مدافع وطن مایاشند، برووی برادران دیگر ما کشیده نشود ماباید بر علیه آنها بیستجه این بازی را سالهاست پیشه و مایه نرمی خود قرار داده اند دست همکاری مسیانه و دوستی غلط ناپذیر بدعیم تا اینکه اگر

گفتند میر مهاباد فوراً او را شاه کرد جلوه

نمائند و نظریاتی را که از چندین پیش در کردستان از طرف عده معدودی مامور ماجراجو و اردو دستهای مرکزی و مطلی آنان اعمال میشود میداند اگر سر مقاله میر مهاباد را خوانده باشند بلافاصله دریافته اند که این اطلاع موق و صحیح و مبین پرستانه صرف (۱) از چه ناحیه ای بروزنامه کیهان رسیده است ما از روزنامه کیهان گله ای نداریم بلکه بالعکس خوشوقتیم که چنین مقاله ای در آن چاپ شد تا برای تحقیق بیشتری از بکوانگی آن از شخص مطلی ماسد نماینده مهاباد استفسار نمایند و در سر مقاله روز شنبه گذشته خود خوانندگان را از اشتباهیکه شده بود واقف گردانند ما خوشوقتیم از اینکه بیکبار دیگر مشت نایبگوانی که میخوانند آتش افشانش را در کردستان برپا سازند بوسیله یکی

اخبار داخله

معاون وزارت کشور

آقای سیدعبدالله نواب که از کارمندان عالیرتبه و مدبری وزارت کشور می باشد بیست ماه است آن وزارتخانه منسوب شده.

آزادی بازداشت شدگان

روز سه شنبه که شصت و یک نفر بازداشت شدگان بیروت و لبنان با همه تجهیزات آزادی گردیدند. اسامی آنها شرح ذیل می باشد: آقایان: حسین زاهدی، منصور اعلم، سرهنگ حسن یغائی - حسن ابراهیم خانی، علی اکبر کنایی - سرهنگ حسین مهین، محمد علی صدیق - سرهنگ سرافه افندی - سید جعفر مزبخت سرگرد ابوالاسم جوان بیگلر - سرافه رفعت جعفری - عباس باستانی - سرهنگ مهدی بهرامی - سرهنگ محمود جوان بیگلر حبیب الله خیل تاش - عبدالرحیم صدیقی نور الله لارودی

و غیر روز شنبه ۱۸ نفر دیگر از بازداشت شدگان بشرح زیر آزاد گردیدند: آقایان: سرتیپ صفویال - جواد پوشوری (امیر، ایوان) سرهنگ صادق فروهر سرهنگ باغچه علیچ - سرهنگ اعظمی - سرهنگ منوچهری - سرهنگ اشکر - سرهنگ زنده دل امیر شرفی پدر اسمعیل اشرف - حسین کیهانی - مهندس قاسم زاده غلامحسین قره گوزلو - حسن قره گوزلو هیدالمدتقیه - سرگرد حبیب الله همایون و یک تنور کانا کفکی - خاجیک مکتوبیان .

ترفیع افسران جزء

در ارتش تجدید نظر در کمیسیون ترفیعان ارتش ۲۳ نفر از افسران جزء با رتبه ارتقا

نایل شده اند و نسبت بسایر محروم شدگان ترفیع باز هم بررسی ادامه دارد.

اعزام محصل بکشور شوروی

از طرف نهاندگی انجمن روابط فرهنگی اتحاد جماهیر شوروی با کشور های خارجه آ ۳۰۰ نفر دانشجو که چون اخیراً عده ای از ایرانیان سفارت شوروی مراجعه و برای مسافرت و تحصیل در دانشکده های شوروی اظهار تمایل نموده اند نام نامی شده و موافقت کرده اند که با تخریج موسسات فرهنگی شوروی جهت نظر دانشجو تحت شرایط معینی بکشور اتحاد جماهیر شوروی اعزام دارند.

انتصابات وزارتخانه ها

آقای مهدی شهادت بیست امدان دادگاه بخش شبیه تهران . آقای احمد زرین نعل بیست کارمند علی الهدی دادگاه شهرستان تهران . آقای هادی انصاری بیست امدان شبیه دادگاه بخش اصفهان . آقای ابوالقاسم اردلان بیست امدان دادگاه بخش گلپایگان . آقای عبدالوهاب برسی بیست کارمندی علی الهدی دادگاه استان ۹ . آقای احمد داودی بیست امدان شهرستان بیرجند . آقای جواد حریر فروش بیست کارمندی علی الهدی دادگاه استان ۳ و ۴ . آقای ابراهیم وکیل بیست امدان دادسرای شهرستان کردستان . آقای دکتر اسدالله شریف زاده بیست ذبحی و ریاست دایره اموال وزارت فرهنگ . آقای هوشنگ هوشیدر نماینده قضائی

اداره کل تعقیب املاک و اگداری بیست نماینده وزارت دارائی در هیئت رسیدگی با امور املاک و اگداری سازی .

اخبار مجلس

در این هفته نیز جلسات منمده مجلس شورای ملی به بحث و گفتگوی نمایندگان موافق و مخالف گذشت . در جلسه روز شنبه آقای دکتر مصدق سخن منطقی ایراد و سخن اظهار اعتقاد نسبت به شمس آقای حکیمی نخست وزیر ایراداتی را که به طرز انتخاب وزیران استن داشتند بیان و در طرف سازمان اقتصادی - قانون انتخابات طهرانی تجدید نظر در قانون مالیات بر درآمد - اصلاح و توسعه زندان در مرکز ولایات - شمس بانک ملی ایران و بانک سپه - تقشیر شرکت تلفن و رعایت اصل مکافات و مجازات بیانات جامعی ایراد نمودند . در جلسه شبانه (دیروز) پس از نطق مفصلی که آقای نخست وزیر ایراد نمودند بکابینه ایشان رای اعتماد گرفته شد چون دولت آقای حکیمی بیش از ۲۵ رای موافق در مقابل ۹۵ نفر عده رای دهندگان داشت لذا کابینه ایشان سقوط کرد.

پست هوائی بغداد

پستهای هوائی تهران - کرمانشاهان و بغداد از تاریخ ۱۲ خرداد ماه مطابق دوم ژوئن ۱۹۴۵ هفته دو بار بین کرمانشاه و بغداد پرواز می نمایند علاوه بر مندان باید مرسولات هوائی خود را بپست کرمانشاهان تا یک ساعت بعد از ظهر روز های سه شنبه و سه شنبه و مراکز هوائی مفصل خارجه واروز های یکشنبه و سه شنبه تا ظهر بیاچه های پستی مرکز و دفاتر جزء تحویل نمایند

صفحات نامه کوهستان برای درج

شکایات شما با زاست

اشعار و آثار ادبی

کردی را که میفرستید

حتی المقدور خوانا

باشد که بدون غلط

چاپ شود

از مشترکین محترم

تقاضا میشود از لحاظ

کمک به نظم و ترتیب

توزیع اگر روزنامه شان

نرسید لطفاً ما را مطلع

سازند زیرا هر هفته مرتباً

روزنامه به آدرس کلیه

مشترکین به پست داده

میشود .

ترجمه و نگارش : آقای منصور هامنواری

مفاره دزدان

فصل پنجم

یکدسته نیم و حشو

آری او میخواست از آن جایکه بگریزد و باردیگر بسا درسی تابش بیبوند. با این فکر شروع به بررسی اطراف خویش نمود میخواست اطلاعاتی از این مکان بدست آورد تا اگر بخواهد فرار کند راه را بشناسد از فواصل دور صدای ضیف دریش آب شنیده میشد. گوشها را تیز نموده سعی میکرد تا ملاحظه جریان آبریا پیدا کند . راه پر پیچ و خمی که راهشای در میان درختان بیبوندش او را هدایت میکرد متعجبش کرده بود. شاید آتریکو مقصود او را در مسافت تنها میخواست از راه مرتب متعجبش کند. با این افکار روبه راهشای کرده گفت گمان میکنم که ما در کنار جریان یک رودخانه حرکت میکنیم و از صدای غرش آب و جود آب شاری در این نزدیکی حدس زده می شود .
دورتر از این ها، در ماوراء جنگل صدای نمره حیوانی بگوش میرسید. بار دیگر ماه از زیر ابرهای ضخیم بیرون آمده از میان برگهای درختان بدون جنگل راهی یافت و جاده را نیم روشن کرد.

آتریکو که تا آنوقت ساکت و بی سروصدا راه میرفت غفلت بر گشت دست محبوس را گرفت و گفت .
بایستی شما را اینجا راهنمایی کنم. آبریا خطری حس کرده اند . برای این است که ما اینک بکنار آبریا مرگ خواهیم رسید . برای چه این اسم را روی آن گذاشته اند ؟ یکی از رفقای بدبخت ما در موسیقیکه از اینجا میگشت در میان گرداب روی سنگها افتاده است .
- ولایه مرده است ؟
- آری آنها بطور مرده درست مثل اینکه او را روی تله وزو مراد داده باشند .
بیبوند جاده باریک کم کم مشکلتر میشد. این راه در روی دامنه کوه باشیب زیادی قرار داشت . سنگریزه ها و شن های روی آن مرتباً بطرف دره در حرکت بود مثل اینکه میخواست مسافری را هم با خود به دره برتاب کند .
غرقایی عظیم در زیر پای آنان قرار داشت هر لحظه که هراس بر سرگردانیده بان میگریست سرش گیج میرفت و متعجبش میشد . امواج خروشان رود غرش گنگان بچنان آشار مرگ در حرکت بود . گویی بسا صدای غرش خود مجوس جوانرا در آغوش پاک خود میخواند . امید فرار رفته رفته در قلب هراس میدل بیاس میگشت . راه باریک و سراسیمی که از میان دامنه کوه عبور میکرد و برای راه رفتن هم خطرناک بود چه رسد بفرار آنها با این زنجیرهای فولادین که دویای اسیر را بهم بسته بود .
در این لحظه آتریکو توقف نموده بادقت یک شطه متوجه شد در

اخبار شهرستانها

از سنج
اثرات جمع آوری اسلحه در کردستان
۱- تریه کانی بان دوگدرنه صلوات آباد مورد تباوت مساجد دزدان واقع
۲- تریه کانی بان دوگدرنه صلوات آباد مورد تباوت مساجد دزدان واقع
۳- تریه کانی بان دوگدرنه صلوات آباد مورد تباوت مساجد دزدان واقع
۴- تریه کانی بان دوگدرنه صلوات آباد مورد تباوت مساجد دزدان واقع

روز بعد برادران رضا و بیس برای تبره خود از این عمل که نموده بودند طفل مرده ای را از قبر بیرون آورده نیری نگلوش میزنند و خون تازه بالونه آفتابه بعد نیر خوردگی میریزند و طفل مرده را با آن حل بدادگسری کرمانشاه ورده از مأمورین اعزامی شکایت مینمایند.
قطعه فعلت رسیدگی و اکنون یکی از دزدان دستگیر و دیگری فراری شده است.
انجمن شهر سنشور تنزل قیمت روغن از حمل آن بخارج جلوگیری نموده است متأسفانه قیمت روغن بجای اینکه تنزل کند ترمی کرده پنی از ۲۲۰ ریال به ۲۶۰ ریال رسیده است.

وقایع آزارات

آزارات

آگری

آگری، آگری، نو آگری، نو آگری بو له ناو دنیا سر بلند بو له سر کردستان چرا بو هله آگری، هله آگری
پس از تعظیم در پیشگاه تو ای آگری، تو ای کوه بلندی که همیشه زیارتگاه فرزندان عبورت بوده و طمقات بهت مانند اوراق تاریخ روپیم انباشته شده است، در برابر تو که از حوادث و مجهولات تاریخی قرنها حکایت میکنی، در برابر تری آگری که نامت قدمت تاریخی نورای بیان و تروشراره آتش فشانی تو که زمانی اطراف را دروشنایی و حرارت نگاه داشته بود، اکنون دردن فرزندان توشه سرالی میکنی.
پس از تعظیم در برابر هیکل براننده و پراحترامت، من که یکی از کوچکترین فرزندان توام میخواهم با اجازه تو صلعه ای چند از تاریخ پراختاروت را ورق زتم.

آزارات آن کوه عظیمی که در شمال غربی ایران سر بلك كشيده و مانند دیوار بلند و پایداری پیوسته این کشور را از تجاوز اجانب محفوظ داشته تا کنون احدی را اجازه نداده که بر مرتفعترین نقطه اش صعود کند.

مسیحی ها هیچگونه کشتی نوح بر سر این کوه عظیم نشته ولی قرآن کریم این مدعا را ردو جای نشت کشتی نوح را کوه جودی واقع در جنوب سرحد ترکیه زمین ساخته است.
این کوه که زمانی سجده گاه زردشپان بوده اکنون قله گاه نواده های آلمان بشی وطن خواهان فعلی شده است. نام پراختار (آگری) بی (آتش) با وجود سالیان دراز و قرنها که از عمر آزارات گذشته و ولداری فرزندان پاک او را مدلل میدارد و بر خلاف گفته های مورخین عبری- آشوری و یونانی نام آگری شهادت میدهد که هیچگاه ملت کرد آگری را از خاطر نرانده یا آموختن نام او به اعقاب خود آن رشته مودت را پیوسته محکمتر نموده است.

نام آزارات را: سلیمان نصری پادشاه آسورد در تاریخ ۱۲۶۰ قبل از میلاد ذکر نموده لیکن (در گان) مودخ معروف وجود دولت قوی آزارات را در مکان معلوم خود دوهزار سال قبل از میلاد بیان کرده است از مقایسه آثار ویرخاکی که در شهر (وان) پایتخت دولت آزارات و نواحی دیگر معال آرات پیدا شده، با آثاری که در نواحی دریای سیاه بدست آمده معلوم شده است که مردان این دومنطقه مدینت مشترکی داشته اند به احتمال قوی حدود آزارات تا دریای سیاه ادامه یافته است.

ساکنین آزارات خواص زیادی خود را از دست نداده مانند سنگهای بزرگی که در دره های همین واقف شده قدرت سیلاب های عظیم آن ها را از جای خود حرکت نیده، در مقابل سیل تهاجم ملل پایداری کرده شدت امواج آنرا تعدیل و بالاخره با همان دیانه اوله خود نوادار گردیده اند.
طایفه آزارات با حشال قوی یکی از طوایف بزرگ گوتی بوده مدت زمانی تحت حاکمیت طوایف دیگر هم نژاد خود، شوبارو نایرینا سر برده در اوایل قرن هشتم پیش از میلاد بشتیای درجه قدرت خود رسیده است.

در سال هشتصد ۸۲۵ قبل از میلاد پادشاه آزارات «منواش» که منوش پشرا یا منوچهر شاهنامه میباشد بسمت جنوب حله ور شده تعرض آتور نازیر پال، سیم نصر (تور و سلم شاهنامه) پادشاه آشور بقیه در صفحه ۶

آیا با وجود این اخبار که هر هفته ما با اطلاع اولیای امور میرسانید ستاد ارتش اعلامیه صادر خواهد کرد: عمل خلع سلاح در کردستان ادامه دارد و هیچ اتفاق قابل ملاحظه ای روی نداده است.

راه زمستانی متعدد کردستان (جاده سنج- کرمانشاه) در نتیجه بارندگی شراب شده محتاج مرمت است اگر این جاده هم تعمیر شود در تمام مدت زمستان کردستان از ارتباط با سایر شهرهای ایران و مرکز معروف خواهد ماند.

از کرمانشاه

۱- از طرف اداره شهر بانی برای دستگیری رضاویس و حاجی علی فرزندان مسلح باستانیه، تعدادی مأمور همراه مأمورین ژاندارمری بترای سردشت له و هفت چشه میروند پس از یک سده تعقیبات سارقین را دستگیر که بکرمانشاه میاورند در این اتنادو برادر دیگر سارقین که در گوشه پنهان بوده اند با مأمورین آگاهی و ژاندارمری تیراندازی میکنند.
مأمورین اعزامی چون قله را باین قسم میسنجند که مأمورین لفته بکرمانشاه مراجعت مینمایند.

آگهی مناقصه شماره (۱۳)

اداره کارپردازی وزارت پست و تلگراف و تلفن خرید در حدود ۳۶ متر پارچه بشی تابستانی انگلیسی طبع نونه و دستبرد دوخت ۱۲ دست لباس اقمیری را کین موازیسانی را مطابق مدل مناقصه و اقدار مینماید.
داوطلبان در مناقصه آخرین بهای پیشنهادی خود را در پاکت سر بسته مهور با ذکر این جمله در روی پاکت: راجع به مناقصه شماره ۲۱۳ بداره دفتر تسلیم نموده و قبل از دادن پیشنهاد منف بگه از زمان برای پارچه ۶۰۰ ریال برای دوخت برسم سیرده بصندوق دایره خاداری پرداخت و رسید دریافت دارند.
پیشنهادهای تا آخر وقت روز ۱۳۲۴/۳/۲۲ قبل و روز ۱۳۲۴/۳/۲۲ ساعت (۹) صبح در دایره تهیه باز و خوانده خواهد شد.
حضور پیشنهاد دهندگان در انجمن مناقصه آزاد و اداره در رد و قبول پیشنهادات مختار است.
رئیس اداره کارپردازی وزارت پست و تلگراف و تلفن
(ک.ک.ک.)
حسن علوی

وزارت بهداشتی توجه کند

تلگراف از سنقر

مقام نخست وزیر و نوشت وزارت بهداشتی رو نوشت وزارت کشور رو نوشت مجلس شورای ملی رو نوشت آقای دکتر مایان رو نوشت نامه کوهستان هیا کرمان شاه استانداری رو نوشت کوب قرب عدم توجه دولت های گذشته براضی وقت آور اهالی نست به تیر طیب زاده بز شک نسا بقدری باعث تخریب او شده که با سرامت لهجه اظهار میساید بوسله بیست هزار تومان پول ندی که در بانک دارم باز موقتیت خود را در به ازای ستریه میختم اینک مجددا استعای عاجزانه دارم بعضی خدمت این بز شک سارا کونامه نگذارند پیش از این دارو و اوائیه بیارستان را حیف ومیل نایند و سئاله های ملت که از قلوب دافع داریند میشود عطف توجه برای اعرام دکترو دیانه اقدام ثوری فرموده که پیش از چندین سال هشتاد هزار نفوس بدون بز شک نباشند شرفیور حریری دشور این مظهری بابائی ابوالقاسم صاحبان خلیل حسین حاجیان جعفر جهانگیری محمد علی حسامی آفاقطنی نورالله شمیرانی عیادته منندی بعضی منندی رحیم قاسمی آقاعان منندی حسین طلسی عامربان میرزا آقا حاجیان شاداده حریری حسن و کباب حسین اسکندری مرضی علی رحمانی محمد افشارگری بی مظهری ایرج پوری بی عثمائی سنقر

جناب آقای مدیر باشهات نامه کوهستان

در پاسخ تلگراف بوج وی سرورته یک مشت اراجیف گروسی نظریه خود را واجع با انتشار نامه وزین کوهستان عرض میرساند - نامه سرامی کوهستان از اولین شماره اش تا حال غیر از تلکتر حقایق و نمایانن راه اصلاح حفظ و حمایت حقوق و دعاوی حق که ارا دعوت و منظوری نداشته و استقبال شایان و روز افزون کرده ها از انتشار نامه ملی کوهستان خود بهترین دلخای است که نامه کوهستان فقط از نظر حفظ شرافت و حیثیت اکراد انتشار می باید و هدف مدیر محترم دفاع از حقوق برادران کرداست نه افراض و متوبات شخصی - گسایکه میادرت با مساکر کن چین تلگرافی کرده اند معنی تلکتر سرفهک باید دیوده و چون ایشان لزوما گروسی هستند و در آنها انوامی دارند بدستور خود او و به تحریک خویشاوندانش تلگراف مزبور مغایره شد است

مثلی است مشهور میگویند آفتاب را با گل نسی توان پوشید مندرجات نامه کوهستان ناله هائی است که از عطفوم اکراد مظلوم و اسیر دست مامورینی مثل سرفهک بیابندر بیرون می آید - نامه کوهستان نور امید است که قلبهای داغدار مارا روشن و از بدو انتشار محبوبیتی بسزا در قلوب برادران کرد پیدا کرده باشد آره که می توان گفت در مناطق کرد نشین بگانه روزنامه می باشد که طرف توجه عموم بوده و بواسطه آرزمان مندیسی که پیش گرفته عموم اکراد پشیمان و

باید امیدوار بود

در طول زندگی پستی و بلندی فراوان است و راهی را که در طی حیات بیسیون آن ناگزیریم سراسر سیر در پیج واداری فراز و نشیب است و قطعا با مشکلات زیادی روبرو خواهیم شد ولی باید در تمام این مراحل استقامت بخرج داده و در نهایت خون سردی در کین نشست تا روزی بشاهد مقصود برسیم و مانند جان شیرین وی را دور گیریم.

اشخاص ضعیف النفس وی اراده هین که در جستجوی مراد یک مانع کوچک می معادف شده فوراً ازینای نشسته و برای همیشه از آینه مایوس و نا امید میشوند حقیقتاً اگر بنیاد زندگی روی این پایه غلط قرار گیرد و آذر سوز و کوشش باین زودی سرد شود بطور تعقیب هیچ فردی نباید روی یک بختی را ببیند و در توده بشر بکفر سعادت پیدا نشود زیرا معال است جویندگان در وهله اول بنظر خود هستند بفسیکه تجربه ثابت نموده مردم معلول و شایسته دارای تعمیم قطعی و عزم راسخی هستند و اراده آنان در کارها - دستخوش و مویس و زبردید میباشد یک گام جلو برداشته دوقدم عقب بر میگردند آری هین سرکش کن و تحیر است که آنها را برای همیشه از کار و عمل تالی و ترفی غلب میاندازد ولی برداشتنی است که مدبار نیز آنها را محاصرا میبرد و فرشته خود اشتباه میکنند موقدا مایوس شده و پیش خود میگویند باید امیدوار بود همین امید در قلب آنان ریشه دوامده و خوشی را بغدوت و کوشش تشویق میکند اینجاست که ضعف النفس بیچاره نفوس خواهد خورد که چرا در روزگار ناتوانی چراغ امید را بدست خود خاموش کرده از کوشش و کار عقب نشست.

تا بر این اید همیشه در زندگی امیدوار و فرصت را هدف قرار داده بگمان موقیتت چسبید زیرا ممکن است در نتیجه آنکند گفتنی وقت بگذرد و دوباره آن وضع فلاکت بار تجدید بشود پس اگر همه افراد خود را نومید بنده داشته از وقت غفلت نموده و فرصت را غنیمت شمارند صد در صد ممکن است که ختمی است به آرزو و آمال خود خواهند رسید.

حتمائی - آرزو ده اولادان خواننده آن هستند اظهار خوشنویسیهایی که تا کنون از تمام مناطق کرد نشین واجع با انتشار کوهستان شده و میشود مشت دندان شکنی است که بدعان امضا کنندگان چین تلگرافها و مریشان آنها میخورد - ما موقیتت و پیشرفت مدیر محترم نامه کوهستان را در این مبارزه مقدس با قلبی پاک از خداوند خواستار و ملت با شرافت کرد را بدانش چین فرزند با شهامت و جسوریکه زندگی و آسایش خود را وقف دفاع از حقوق برادران خود بلند ساختن نام کرد و کردستان نموده تبریک میگوئیم. از بزرگان سید همایون

بلم آقای حبیب الله مردوسی داماد جبه کردستان

وزارت فرهنگ توجه کند

وضع یکی از مساجد سنقر

کثرت خرابکاری و بیبرخاری اغلب مامورین دولت در کردستان و راه سازی برای جلب منفعت به باهانه ایست که بتوان آن را بجز تحریر و با برشته تحریر در آورد.

موجبات تجاسر و انحراف از انجام وظایف آنها این است که سوء استفاده از نجابت و تحلل و بردباری اهالی آن سامان میباشد و بر اثر ادامه این رویه موجبه که روح دولت و آزادی و دمکراسی از آن منفر و بیزار است ملت عیب کردستان چنان پاس حاصل کرده اند که بهیچوجه دفاع از حقوق حق خود نمیباشند مخصوصا اذعان بعضی چنان مشوب شده که تصور میکنند با این ناملاسی ها باید سزنده و الا با دروخان عشایری محیوس و با بنقاط دیگر تبعید میشوند و خانه و فرزندان خود را آنها در چنگال اهریمن مامورین نامرالحی گرفتار و هستی آنها بتاراج میبرد لایه اسماست و متوبات خود را مکتوم میدارند و معاد - سلامه الانسان فی خطا اللسان و ا شعار و تدار خود قرار داده بپلورا برای دزدان خالی کرده ساکت و صامت نشسته اند عبارته آخری «ترك کام خود نموده تا بر آید کام - دزدان»

این که در شماره ۱۳ نامه محترم کوهستان (آنها هم با مصفا عیرومن) شرحی واجع مسجد محمد کریم داشی از طرف بعضی از اهالی سنقر دیدم مایه تحیر گردیده که چه طور بوده یکی از هزاران خرابکاری آن سامان را اظهار داشته اند آنها تمعا حدیث شریف حضرت رسول ذیاتی علی التمس زمان بنجلون فی مساجد هم و لیس هیه الا الدنیا و ایس هه بیهم حایه «لا تجالسوهم» آفتابا را منته و آبه شریعه دانسا بصر مساجد هه من آمن بانث و الیوم الاخره و اذار نموده که همه مسجد مسلمانان که مدت است لانه سک و جایگاه زیاده بازار گردیده از لوت آن نجاسات پاک نموده در مدد تعمیر بر آیدند بعد از آنکه در دوره پهلوی بنا بود که وضعیت ساختمانهای ولایات ایران بشکل پیاپی باریس تغییر یابند بناها درست شود نمایانها کشیده اسفالت گردد مامورین دولت فرصت بدست آورده از حالتیکه برای خرابکاری مهارت کامل دارد شروع بانهام بنا های سنج نموده در هر محلی که نقطه حساسه معادف میشدند از جاده آن منحرف نمائین که موقوف شده شهر سنج را بصورت نلسه خاکمی در آورده نلامه از مزایای دوره ترمی و عصر خلائی بانهام دو مسجد (یکی مسجد والی و دیگری مسجد محمد کریم داشی) نایل و مقنر شدیم.

اگرچه فرهنگ اوقاف کردستان هیچوقت صورت خوبی نچود نکرده و کلیه عواید موقوفات صرف آمال و آرزوی متعددیان می شود و آنچه علی شود منظور واقف است (که بعدا مشروحا از لحاظ خوانندگان میگردد) اما در آن موقع اعراف از شاعران - شریعت بانها درجه رسیدن باین معنی مسجد والی جایگاه ساز و مواز تکان جوانان بادوشیزه گان، سخته تأثر و رقص و شنام منی محل صنایع مستصرفه گردیده مسجد محمد کریم داشی بیبانه احداث نمایان اداره اوقاف فستی از آن یاد کاین و خبازخانه (موقوفات مسجد مزبور) را بیهودی ها فروخته وقتیت عهده قیست آن بیبند وقت و مقدار کمی بحساب دولت درآمده فلما ۱۳۳۱ دانک از آن در تصرف بیهودی ها و ۱۳۳۲ دانک دیگر را خود اداره اوقاف تصاحب نمیشاید و مقدار کمی از خود مسجد بحال خرابی باقیست.

شاهد این وضعیت اسفناک و وقت آزر جالب توجه عموم و مخصوصا وزارت فرهنگ میباشد و اهالی سنقر این موقرا مشتکم شمرده از وجود جناب آقای رهنا وزیر فرهنگ که شعما خلافتنه به مذهب و مزایای اخلاقی منظمه مستثنی از توصیف است استفاده نموده تنها نمیشاییم با عطف توجه کامل این لکه شکن را از دوش اهالی کردستان برداشته جایگاه سلسلی و مشروب فروشی را بحالت اولی در آورده مجددا ضمیمه مسجد نموده کما فی السابق محل عبادت الهی قرار گیرد و ما هو علی الله عزیز

علم آگاهی و مستوره و خ (پادشاه کردستانی)

کرد و کردستان

کیفاد همدان را برای جلوگیری از تجاوزات آشور پادشاه خود فرار داده و آنرا امیر کرده است این همدان که آن روز پادشاهت کیفاد کرد اولین پادشاه دوره جدید (ماد) شده روز دیگر پادشاهت آردشیر یک آخرین پادشاه ماد میبود که سروس سپهر آنرا فتح خواهد کرد همه کیفاد مرگت ست (کی) یعنی بزرگ و (قباد) که نام خود پادشاه است و در لجه کردی (کیکواد) تلفظ میکنند بدل مجهول همه جا کله (کی) برای تکریر و تعظیم بآل اسامی سلاطین و امراء (ماد) اتمال دارد. کیفاد بیابو کی پیش کی آدمین کی آرش کی تیا کیکاووس کی آرجان کی اپراس کی هیشناس (کشناس) کی واکسارو و و آنها را بهین مناسبت کیان میخوانند می در رکن. مانکه فردوسی همه جا (کی) را بهین معنی استعمال کرده است از همه در مورد (آبین) به فریبون پیشه ای می گوید... خوشن کوزمرا بران زمین نمی رود... نام آ آبین زنج شاک و تو مد زبده حردمد و گردو می آزارود در صورتیکه نمیدون و تین چنانکه پیش گفتیم از سل پیشه ادیان اند این نظریه اول برای سلاطین (ماد) استعمال شده رجوع تاریخ قدیم اورامان مع سلطنت کیفاد و کتاسق و سبض صفحه ۱۶۵

سپهر رتی بهی سلاطین همه می هم نسمن شده است ولی سلاطین پیشه ای و پارس را به همدان اسمی خود ذکر کرده اند کیفاد علاوه بر اینکه کشور ماد را از جنگ اجابت جاف کرد کشور پارس را هم از حلات آشور نجات داد و هر دو کشور را در تحت سرپرستی و اقتدار خود در آورد و او را به مردوس پادشاه گند ساروات شافند و ساروات درخ کرد پارس و ترک توافق دارد جزایته کرده میوه سه که کیفاد چون خواست از تاج پادشاهت سلاطین آشور بیگ ماد و پارس جلوگیری مایه ما (آبزیس) کلدانی والی شهر نایب که ارباب از دست نعلوات آشور بران بسوه آمده و در نقتی در سن (۷۶۵) بر دیوب جوان مدد سهری گران از قوم مدد پارس و عیلام شده سرتا معجز از چهارصد هزار نفر و ده (۱۰۰۰۰) (نیر) حرکت کردند (ساردانابال) پادشاه آشور بر سلسلای از سوی این غیرت که بیشتر با اسناد کلدانی در خارج شهر نیوسه سپه مهاجرت رو برو می شود سه نوبت جنگ درگیر شده هر سه نوبت سلاطین مهاجرت می نمود (بله زیس) والی بابل که در علم نجوم و ساره شناسی معروف بوده است میگوید که اوضاع کواکب دلالت غمناک دارد بر اینکه اگر سه کیفاد تا روز دیگر

از سنج

پک فزل از جوهری

سیلی اشکم واکه دی بینی دمامم جاریه
لت لئی جرگه به جاومادی که واکنار به
عاطله اما له بر عشق وطن مجنون مقت
روز دنالم شو بزارو کارو بدم زاره
بوکی و از نو ترارم لت له جرگه دلم
ای مسلمانان مکن منعه که در هم کاریه
گه به دستنی پاسبان سر له خواروی له بینه
گه دستیندم بدست انگری زاندریه
من که ناموسم براوه کرده ناموسیم برا
ناکاران تا بکارن کار من می کاریه
نمون و فسله رفتار کج ایسرائیان
ایسه رفتارو انگری دستنی به رفتار
دختری دونه لای من له پستی من
... مکتب له کار و کاری هر ی عاره
منی اثراد بیوس وایوی مده ان
چونده مورین کردان فصدیان خو جواره
حونای می سامانه هر و ک حال من حالی و من
زاریه کارم به روزان و بنو بیادیه
جوهری بستومه دیکت توری گوری گم بوه
گه ترو ی جاره ان اه جاره ناچره

همدان

آقا محمد علی مکت سائیده نامه کوهستان همه روزه از سه ساعت جدا ظهر تا ساعت ۷ در دفتر اداره خود شماره ای قبول نامه های آید و آگهی و اعلانات آقا بن مراجعت حاضرند

خیلی ممکن است که تصور بلا عقب بودن سلسلای از سومم مانده و به لاف بودن سلسلای از دوم باشد که بالاخره خلاف آن کشف شود. اینکه شاید ساردانابال پسر سلسلای از باشد حتی کسی دیگر بوده پادشاه آشور شده است. اما کشف شدن دلایل بگویم مشهور دلیل بر عدم وقوع آن نشود پیوسته سخن باین درازی نبود. تشنه قشایب تاریخی هم سلسله همه تکرار آن خواهد بود چه کسی موجود است که ساردانابال و ساردانوس هر دو یک وضعیت در گذشته باشد چنانکه هیچ منبع نیست که دو نفر دچار یک مرتبه به وضعیت شوند.

ما ابعن مامراری در بر و متعزیم که از آثار نعت الارضی جوا حیف امر کشف شود. سلسله نسب کیفاد را فسنی از مورخین باین ترتیب نوشته اند که مطابق با تاریخ قدیم اورامان هم هست. کیفاد پسر زاک. پسر وورگان. پسر سوسان. پسر آرمین. پسر آرجان. پسر آرشی. پسر آروین. پسر آرجان. پسر مانیشار. پسر نودگان. پسر نورگان. پسر سوسر. پسر سوسار. پسر گوردو. پسر مادای پسر پاپت پسر و ج.

بنیه از منصفه ۳ آزارات

را پاسخ داده و در جنوب غربی دریاچه رضاییه کتیبه‌های از خود یادگار گذاشته است. این دولت را غیریها آزارات، آسوریها اورارتو و مورخ معروف یونانی هردوت آلازود خوانده اند.

هردوت میگوید در حوالی کوه آزارات دره آلازود (هالندی) رومی پرستیده می شک بهین مناسبت این نام را از خالهی باهالهی میخوانند و نامبر وطن این قوم را اراس مرکزی دانسته و نامبر درهستان طایفه ای از مادها بنام (آزارات) بوده است.

وجود محلی بنام خالهی یا در نزدیکی طرابرزان در عهد امپراطوری روم شرقی احتمال این را که حدود آزارات تا دره ای سیاه و ده تا بید میساید.

تشکیل دولت بزرگ ماد در اوای شاهنشاه هوشنگ در قوه هالهی را و از باطاعت آن دولت نوتو و بنیان حکومت ملی آزارات را متزلزل ساخت اگرچه این شاهنشاه حدود ماد را تا بل ابرمان (رود هالیس) رسانیده دولت هجواری را منحوس ساخت ولی پسرش باهتو و پسر او گبیاورس شایستگی پدر را نداشته و برودی این ناحیه را از دست داد.

گاهی پادشاهان آراوا از خاندان هالهی که در جنوب غربی رضاییه حکمرانی داشته اند انتقام در آن مرتب نموده خود هم نزاد بودن این قوم را معادل میسرد.

در سال ۶۰ پیش از میلاد آزارات چون دیگر دولت مستقلی نداشت مورد هجوم ارامنه قرار گرفت.

هردوت میگوید برتری درجه تمدن آزاراتیها از اینها را و داشت که در آنها قبول و این منصفه را که بنیاد هالهی در هاستان میگذشت جدا نموده دست داده خود را هالهی نام نهادند هم بدین او با نزاد بودن این دولت موجب تشکیل خاطر و تامین اتحادش شده از این پس مدعی نبود که این قوم هالیس تعبیر گاه پادشاهان و جولانگاه سرداران ارامی باشد.

آگهی حصر وراثت

تاریخ ۱۳۲۴/۲/۱۶ - آقای حسن (کرملو) شناسنامه شماره ۸۶۵۲ باستاند بکیرک گواهینامه و رونوشت شناسنامه دادخواست بشماره ۲۱۳/۱/۲۴ داده باینکه مرحوم باب مجید علی (کرملو) دارنده شناسنامه شماره ۸۶۵۵ - در تاریخ ۱۳۱۹ در تهران جایگاه هیشکی خود وفات یافته و مناضی بسوی گناه و ارت منحصرش میباشد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روز نامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ شراولین آگهی و نبودن مترش بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه از متوفی - دارد در طرف مدت مزبور ابراز و الا هر وصیتنامه غیر رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

رئیس کل دادگاههای بخش تهران - امامی اهری ۳-۱

آگهی حصر وراثت

تاریخ ۱۳۲۴/۱/۲۲ آقای سید عباس روحانی سر اجمعی و کانت از طرف آقای سید محمد الحیدر حیات شاهی باستاند بکیرک گواهی نامه و و - شناسنامه دادخواست بشماره ۱۳۴/۱/۲۴ داده باینکه مرحوم باب مجید دارنده شناسنامه شماره ۳۷۳۲۸ در تاریخ ۱۳۱۶/۱۲/۲۷ در تهران جایگاه هیشکی خود وفات یافته و آقایان سید محمد الحیدر حیات شاهی شناسنامه شماره ۳۷۳۲۹ و عباس حیات شاهی شناسنامه شماره ۲۰۲ و حسن حیات شاهی شناسنامه شماره ۴۳۷۲۳ پسران و بانوان شکوه السادات حیات شاهی شناسنامه شماره ۲۰۳ و افشار السادات حیات شاهی شناسنامه شماره ۳۷۳۳۳ و نصر السادات حیات شاهی شناسنامه شماره ۳۷۳۳۲ و بدر السادات حیات شاهی به شناسنامه شماره ۳۷۳۳۱ و حسن السادات حیات شاهی شناسنامه شماره ۳۷۳۳۰ دختران متوالی و وراثت منحصرش میباشد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ شراولین آگهی و نبودن مترش بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه از متوفی دارد در طرف مدت مزبور ابراز و الا هر وصیتنامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

رئیس کل دادگاههای بخش تهران - امامی اهری ۳-۲

آگهی حصر وراثت

تاریخ ۱۳۲۴/۱/۲۱ آقای مرضی (صافوردی) شناسنامه شماره ۱۲۹۹ طبق تقاضا نامه شماره ۱۶۸۰ مورخ ۱۳۲۳/۱۰/۰۳ باستاند بکیرک گواهینامه و رونوشت شناسنامه تقاضای گواهینامه حصر وراثت نموده بدین توضیح که مرحوم حاج علی (صافوردی) در تاریخ هشتم آذرماه ۱۳۲۳ در تهران جایگاه هیشکی خود فوت و حسن القوت و زهرا متوالی منحصر چهار پسر بنام مرضی صافوردی متشخص و آقایان هادی صافوردی شناسنامه شماره ۳۶۶۸۱ و سرفاق صافوردی شناسنامه شماره ۲۵۷ و منوچهر صافوردی شناسنامه شماره ۱۲۹۸ و دو نفر دختر بنام بانوان هرکت حسین شناسنامه شماره ۳۸۵۰۸ و فرح الزمان صافوردی شناسنامه شماره ۳۸۵۰۸ و یک عیال هالهی بنام بانو صفری حسین شناسنامه شماره ۱۶۱۶ غیر از هفت نفر نامبرده و زهرا بگری ندارد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ شراولین آگهی و نبودن مترش بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در طرف مدت مزبور ابراز و الا هر وصیت نامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

رئیس کل دادگاههای بخش تهران - امامی اهری ۳-۲

آگهی حصر وراثت

تاریخ ۱۳۲۴/۳/۵ آقای سید اسدالله قتی بوکالت از طرف بانو رفیقه سلطان ارده زاده باستاند بکیرک گواهینامه و رونوشت شناسنامه دادخواست بشماره ۲۱۱۴/۱/۲۳ داده باینکه مرحوم حاج عزیز الله که جایگاه هیشکی او در نزد بوده در تاریخ ۱۷ سال قبل در کربلا ملا وفات یافته و بانوان رفیقه سلطان ارده زاده شناسنامه شماره ۱۶۶۲۶ و سکنیه عزیز الهی شناسنامه شماره ۳۱۳۵۰ و زهرا (کریم زاده کواشاری) شناسنامه شماره ۷۲ شوهران و آقای عباس (بابائی) شناسنامه شماره ۴۲۰ برادر متوفی و وارث منحصرش میباشد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ شراولین آگهی و نبودن مترش بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه از متوفی دارد در طرف مدت مزبور ابراز و الا هر وصیتنامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

رئیس کل دادگاههای بخش تهران - امامی اهری ۳-۱

آگهی حصر وراثت

تاریخ ۱۳۲۴/۲/۱۱ آقای عبدالعزیز اردلان بوکالت نوگویی از طرف باو کبری کیانپور باستاند بکیرک گواهینامه و رونوشت شناسنامه دادخواست بشماره ۱۳۳/۱/۲۴ داده باینکه مرحوم میر (کیانپور) در تاریخ ۲۳ در قرقاشند ساوجبلاغ جایگاه هیشکی خود وفات یافته و بانوان کبری و ربابه و بتول (کیانپور) دختران و آقایان - محمد رضا و بداد و جعفر (کیانپور) پسران بانو میر (کیانپور) زوجه دائمی متوفی و وارث منحصرش میباشد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ شراولین آگهی و نبودن مترش بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در طرف مدت مزبور ابراز و الا هر وصیتنامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

رئیس کل دادگاههای بخش تهران - امامی اهری ۳-۲

نامه‌ها و تلگرافات وارده

از مهاباد

آقای مصطفی نژادی می نویسد: طلوع این آفتاب زرقام را که از ماورای کردستان ناپییده و جلوه این ستاره درخشنده را که در آسمان کردستان آسرومنده و مستندیده جولان آمده به مدبر محترم و ارجمند آن تیریک عرض کرده و از ذات ذوالجلال الهی توفیق حضرت را مثلث میندازیم امیدواریم در درفت و دروب خاتین و نایابان از صحنه کردستان بایاری سرداران هر بر کرد موفق آید و کردستانی که اکنون از ستم جولان رنجور است برای آینده ایران میهن عزیز خدمتگزار و میهن پرست با آید

از یوکان

جناب خلیفه ملاحظه و جیدی می نویسد انتشار نامه گرامی کوهستان که بنزله زبان کردستان و مهترین معرف علامندی این ملت یاستانی به آثار حسنه تاربخ و ملاحظه و مفای جامعه است از مصمیم قلب تیریک می گوئیم ...

از سنندج

آقای مظفر اقبال در از انتشار نامه کوهستان تلگرافا اظهار مسرت نمودند

از دیواندره

تلگرافی بامضای آقایان: سید محمد صادق قاضی - شاه اویسی - سلطان پور سید احمد - عبدالکریم کافی - اجلال پشی اییی رسیده از آقای ستوان رسولی منمدی کسروهان زانداومری اظهار رضایت نمودند

از کرمانشاه

آقای محمد علی شبانی از انتشار نامه کوهستان اظهار مسرت نموده اند

از سقز

آقای جلال الدین نقشبندی تلگرافا می نویسند: شماره نامه شریفه را که ما به نشاط و خوشوقتی اهالی این نواحی است با فلان پاک و بی آلابش صحنه تیریک عرض امیدوار در نزد مندی که برای حفظ حقوق هم نژاد خود و رفیع سو، تمام پیش گرفته ایم موفق و کامیاب گردید

از مهاباد

آقای خ. م. فولاد شرح مفصلی در پیرامون منالله روزنامه کیوان نوشته و برای ما هم ارسال داشته اند چون نستی از معاف ایشان را روز نامه پرورش هفته گذشته چاپ کرده و دیگر درج آنرا در نامه کوهستان ضروری ندیدیم بر این احساسات پاک برادران خود هزاران تحسین میفرستیم بقیده ما یک مقاله روز نامه کیوان که مضمونش نگارنده آهم از نوشته خود پشیمان شده پیش از این آورش پاسخ ندارد مهربان این احساسات پاک برادران زرد را باید مجدداً تکرار نمود

از بانه

تلگرافی بامضای آقایان شیخ الاسلام بانه - سلامی - امام جمعه غطیبی - قاضی - علی اسلامی - خالد سلامی - حاج عزیز دباغی - حاج عزیز غطیبی - حاج نصرالله نوید - محمد امین اویسی - عبدالله قاضی - حاج محمد امین بنیازی - سلیم احمد زاده - عبدالعادر خالدی - کوریل مازوشی - محمد احمد زاده - با دارم روزنامه رسیده از اعزام آقای هدایی بازرس وزارت فرهنگ و از سفراتی های جالب توجه ایشان اظهار امتنان نموده اند

تصحیح

درس مقاله هفته قبل در صحنه ۸ اشتباهاتی روی داد بود از خوانندگان محترم تقاضا میشود بشرح ذیل تصحیح فرمایند:

- ۱- سطر ششم: دو حده ای که در نتیجه واقعه بیت الشباب باز داشت شده بودند
- ۲- سطر هشتم: متفقین شهرهای گردنشین را ۶۰۰
- ۳- کنگره بزرگ کرد

اطلاع

استیبال شایان خوانندگان گرامی از نامه کوهستان و معنای او و فراوان ايجاب میکنند که در آینده زدگی بر مضامین روزنامه افزوده و با آنرا در قطع بزرگتری منتشر سازیم از خوانندگان محترم تقاضا میشود نظریات خود را در این باب با ما بنویسند تا در این تغییراتی التور نظریات عموم مراعات گردد

از مشترک گیتی که تا حال وجود آریونان را پیراخته اند تقاضا میشود هر چه زود تر آنرا ارسال دارند مشترکین شهرستانها میتوانند وجوه اشراک را توسط نمایندگان ما ارسال داشته و یا مستقیماً بفرستند

تلگراف بلری بامضای هین آقایان رسیده از عملیات فرمانده تیب سزاطهار رضایت نموده و از احترام ایشان به شمار اسلامی اظهار خرسندی نموده اند

از همدان

آقای حسینی حسی از انتشار نامه کوهستان اظهار مسرت نموده اند

از سنندج

آقای علی گل افشان شایسته میندازند که از طرف ستوان یکم نایب بلوی احترامی شده و با امت و انکه او را مجروح نموده است

لازم است این نکته را تذکره کنیم که افسر شرافتمند کسی است که شرافت و حیثیت دیگران را حفظ کند افسر برای حفظ حیثیت ملی است نه برای گرفتن مشیت برادران

آقایان عباده انوشیروانی و حسن قنبرافه یکی از وضع فرهنگ سز شایسته مفصلی نموده اند

وضع فرهنگ بطور کلی در مناطق کرد نشین رضایت بخش نیست با بودجه و اختیار کافی ندارد با آن مخموری هم که هست درست رسیدگی نمیشود معطلین خوب کمتر در این نواحی دیده میشوند اگر هم باشند بقدری دلسرد و افسرده اند که کاری انجام ندهند بر ساکنین شهرها و قریات است که نوبه خود در تشویق کارکنان فعال و علاقمند فرهنگ کوشیده و آنتهای راه ناسد و شایع اند بدون نظر سوابق مخالفت های شخصی قطع نباید نظر گرفتن اوضاع عمومی سامان نسیاید تا شاهد موفقیتشویس آلمان بشویم

از سنندج

آقای بهاء الدین آرزو من از انتشار نامه کوهستان اظهار مسرت نموده اند

حلیف میخواست یکی از رقابش را که در آن مکان باستانی داشت بیاید و پس از آن دوباره شروع بحرکت نموده

لحظه ای بعد آریکو سکوت را درهم شکست و با لحنی تکبر آمیز گفت:

- شاه هیچگونه نرسی از من نداشت باشد، من از یکی از خانواده های بسیار نجیب هستم پدر من افسر مخصوص پادشاه بود و در میدان جنگ شته شد
- هراس بانجیب از او پرسید:
- اگر چنین است چطور میشود شاه در این مکان زندگی کند و زمین مانتو و سایر هندستان او باشد؟
- رقافت بامانتو چه منافاتی با این موضوع دارد؟
- هراس میخواست قدری با آریکو صحبت کرده در باره راه را باقیل هم که معقلاً برادر اوست اطلاعاتی بدست بیاورد اما نژتیس اینکه میباید اظهار اینکه او در مهانگاه راغابیل را دیده است موجب زحمت او و راغابیل بشود چیزی نگفت زیرا او از هسان لحظه که مانتورا نسبت برادر آریکو مطمئن دید دوبالت که راغابیل چندان باراه زمان موافق بوده و توبه ای هم که در مانتو در مهانگاه پا کرده بود از روی سوء قصد بوده است
- اما بار دیگر شروع بصحبت کرده گفت:
- چرا بیو برادر شما مانند یک دیوانه نامبرد؟
- اگر شاکسی را ببینید که خود را در دهان یک گریک بیاندازد آیا نسگوئید که او اسحق میباشد؟
- هراس گنه او را تمدیق کرد اما از این حرفهای اسرار آمیز چیزی درک نسکرد پس از آریکو پرسید:

ایا برادر شما جزء دست مانتو است؟

- بله اما شما از دانشن آن چه میخواهید؟
- حرف زدن با آریکو چندان آسان نبود و هراس تصمیم گرفت که ساکت شده اطلاعات دوباره راغابیل را بوقت دیگر موکول کند
- حالا دیگر از زمین درختان بیرون آمده بودند
- چند ستاره کوچک بانور ضعیف خود میدرخشید
- آریکو در کنار تپه سنگی توقف کرده روی بهراس نموده به او امر کرد تا او را تعقیب نماید
- آنگاه شروع بیلا رفتن از تپه نمود اما هراس پس از آنکه چند قدم بالا رفت نفس زانان ایستاد گفت دیگر نمیتوانم راه بروم زنجیر هائی که بیای من بسته ایده باها هم را زخم میکند
- آریکو از شنیدن این حرف برگشته
- بالحنی تسحر آمیز گفت: نمیتوانید راه بروید؟ من بشما نصیحت میکنم که این حرف را دیگر نزنید
- اگر مانتو گشته شارا میشنید بادشته خود شارا راه میرد
- وانگهی ما بیک بیلای تپه رسیده ایم
- در این وقت آریکو بطرف هراس برگشته دست او را گرفت و سپس از آنطرف تپه پایین رفت پس از آن آمان رو بهراس کرده با لحنی جدی گفت: آیا میتوانید بهمان قطعه ای که آنجا پیاده شدید برگردید؟
- مسافانه غیر چون راه واجب نیست
- اما شما در میان راه میخواستید از دست من فرار کنید
- میدانید اگر اقدام بانسکار میکردید باشا چه میکردم؟ آنوقت با گلوله مغزتان را متلاشی میکردم
- هراس آهی از سینه بیرون کشیده زیر لب گفت معلوم میشود که این آلتای نجیب زاده هم دست کسی از سایر دزدان ندارد و سپس یدنیال آریکو که در مدخل غاری وارد شده بود

کوهستان

دو نامه از خوانندگان ما

اگرچه ما میل داریم با تعداداتی که میرسد در نهایت اختصار جواب بدهیم، بی آن انتقادی که بجاست با کمال امتنان مورد توجه قرار داده و آنچه را که سوء تفاهمی ایجاد شود مانند کلمات کوچه و خلاصه‌ای حول بیدهیم ولی در مورد ایراد آقای شیخ الاسلامی نامه های چندی از او خوانند دان محترم رسیده که ناچاریم به پاس احترام و برترت بافت افکار عمومی فوسوه از آنرا چاپ کنیم تا اگر دیگر خوانندگان هم با عقاید آقای شیخ الاسلامی موافق نباشند بساحت بدهند که باید بنفاسها و انتقارات خوانند گانی را که در نقاط دیگری غیر از کردستان سکنی دارند ترتیب اثر بدهیم.

از گلپایگان

آقای مدیر محترم روزنامه هفتگی کوهستان در شماره اخیر آن نامه گرامی شرحی با مضامین آقای شیخ الاسلامی از سنج درج شده بود و از طرز نگارش روزنامه کوهستان شام اینکه درج فلان مطلب غیر ضروری و در عوض انتقادات ایشان درباره عملیات مامورین ارتش و دارائی لازم به درج است گله دوستانه کرده بودند اگر چه خود آقای اردلان مدیر روزنامه با زبان ملایم و آرازم درود تنبیه ایشان شرحی مرقوم فرموده بودند ولی بنده بجواب ایشان قانع نشده و با اینکه از کردستان و اوضاع آنسایم و منظور و مقصود آقای منتد حترمی اطلاع روی ارادت و سابقه طولانی با شما خواننده آقای شیخ الاسلامی این نکته را بایشان تذکر میدهم که اولاً نامه مفصل ایشان قسمت زیادی از روزنامه را اشغال و بعضی که دیگران هم برای درج مقالات باشکایات با مضامین خود دارند تصدی کرده بودند برای اینکه در طول بکفته مشترکین روزنامه کوهستان انتقار می برند نامه مزبور بر سر و استفاده بکنند البته وقتی ملاحظه کنند يك صفحه روزنامه انتقادات آقای شیخ الاسلامی است فوق العاده کسل و آشنایان بایشان بی ارادت میشوند تا نیا همانطور که آقای مدیر روزنامه تذکر داده بودند مشترکین و خوانندگان نامه کوهستان منحصر به آقای شیخ الاسلامی نیست که از شرح تعدیات مامورین (خواص صبیح و غواء سقیم) خوشحال و راضی شوند - کسانی هم فلان مقاله طبعی و فلان تاریخ و فلان مطلب خوانندگی را میل دارند ملاحظه و استفاده کنند تا آنجا که بیده انصاف بکنیم روزنامه کوهستان از بدو انتقار مرتباً شکایات اشخاص را از مامورین درج

ستاد ارتش بیشتر توجه کند

تذکرات مدنی با مضامین عددهای از اهالی مهاباد رسیده و از ستاد ارتش خواسته اند که راجع به دستگیر نمودن رحمان غنی پور از طرف فرمانده لشکر کردستان و خنزارات وارده بنده معطفی سلطانین توجه مخصوصی بنمایند. ادامه این رویه بیش از پیش مردم را ناامید مینماید.

اگر شخص دستگیر شده مفسر است تفسیرش باید معین و تنبیه گردد و اگر برای تفریح و باشناسان دادن قلدری چنین عملی شده چرا ستاد ارتش ساکت است و از این اجتماعات جلوگیری نیکند !!

جواب اداره کل ژاندارمری ۲۴/۳/۱۰

آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان

عطف به مندرجات شماره ۱۴-۲۴۲۷-۲۴۲۷ آن نامه مندرج به لغت کردن ۲۴ نفر رعایای بیلاق و اشغال قهوه خانه مزروع و قتل محمد امین نام و غارت قهوه خانه دو چهار کیلو متری سنج و سبله سارقین مسلح برای دستگیر و سرکوب نمودن سابقین دستورالزام بهنگ منقل ژاندارمری سنج صادر گردید.

فرمانده ژاندارمری کل کشور - سر تیپ خسرو پناه

القبای نو

بفیه از صفحه ۱

بزرگ هم، که در عطفولیت وسیله تحصیل نداشته بعداً بخواهند با سواد شوند، با مشکلات روزمره زندگی، با هزاران فکر و تلاش روزانه، برای تأمین نان شب، یاد گرفتن و خواندن و نوشتن، در بیشتر اوقات قهر مقدور است.

چه باید کرد؟

باید وسیله ای فراهم نمود که طفل خردسال بسهولت و سرعت یاد و به خواندن و نوشتن شود. انسان بزرگ هم بدون مواجه شدن با مشکلات در قایل مدتی نوشتن و خواندن را فرا گیرد.

این منظور با القبا کونونی ما غیر ممکن است احتیاجی بشرح و بسط نیست، جزئی توجیهی کاملاً این موضوع را روشن خواهد ساخت. عددهای از روشنگران پس از مطالعات دقیق، القبا ای اشغال

نموده اند که با استعمال آن در عرض چند ساعت شخص بسهولت خواندن و نوشتن را فرا میگیرد و ما امیدواریم در آینه نزدیکی بتوانیم پس از آنکه آخرین مقاله در این باب پایان یافت خوانندگان محترم را از چگونگی **«القبا نو»** مستحضر گردانیم.

در این پست نامه ای از آقای صیبا رئیس دارائی کردستان رسیده که عیادت از رونوشت نامه ایست که بعرض عدالت شعبه کردستان نوشته اند و در آخر اینطور مینویسند:

رو نوشت برای استعفاء آقای دکتر اسمیل اردلان مدیر محترم روزنامه - هاتکی کوهستان بر اثر شماره ۱۳ نامه مزبور صفحه ۶۳ ایجاد و زحمت میدهم اگر مرا صوفی و مسلمان میداند بشخو و اسلام قسم است که همین آقای هادی شیخ الاسلامی که «گله من از کوهستان» را نوشته هم میداند بوسائلی تفاسخ کرداد را بخدمت دارائی راه دهم چون احتیاج و اعتبار اداری نداشتم تقاضای او را توانستم انجام دهم بهین مناسب رئیس دارائی در نظر او ظالم و خونخوار جلوه کرده است

نموده اند حال اگر عملیات رئیس دارائی را که بجهت غیر معلومی مورد پیگرد و خوش آینه آقای شیخ الاسلامی نبوده تا حال درج نگردد اند گناهی نداشته اند و با ایداد و تدبیر آن آقای شیخ الاسلامی و خانواده ایشان از ایشان از تمام دوردست انتظار دارند حدودی برای تنبیه قائل شوند. مدت ها بود جماعت کرد و اهالی این شهرستان با سوابق چندین هزار ساله تاریخی در انتظار انتشار نامه بنام این شهرستان بودند که این سرزمین و اوضاع و احوال آنجا را به مردم شناساند اینگونه انتقادات بیورد هم چون دلسردی برای مدیر روزنامه کرده و از آن البته برای خود آقای شیخ الاسلامی و اهالی ایشان و یگان یگان اهالی کردستان خوش آینه نخواهد بود.

از تهران

نامه گرامی کوهستان

امروز عصر که نامه کوهستان به دست رسید دیدم چندین ستون را که آقای هادی شیخ الاسلامی گرفته است این گله که تا اندازه بی جا بنظر میرسد توجه مراجعین کرد خواستم ببینم از طرف مدیر محترم آن نامه چه عملی سر زده است که شور و غوغای در سر آقای شیخ الاسلامی برپا ساخته و طاقت نیاورده بروی کاغذ آورده و بآن نامه فرستاده خلاصه مطلب در آخر مقاله در پاسخی که بایشان داده شده است و حقینه راه ادب پیسوده اند آشکار میگردد که منظور حضرت ایشان اینست که نامه کوهستان را از شکل روزنامه بدو آورده و نظلم نامه ای باشد که فقط و فقط شکایات

آقایان اگر ادراج گردد پس در این صورت چه لزومی داشت که با ستار روزنامه مبادرت شود و نام او را کوهستان بگذارند بقیه این جناب نامه کوهستان باید همانطور که برادران کرد را بسایر ایرانیان بشناسند سایر برادران ایرانی را هم باید بنایفه ای از هم میبندان که کرد نام دارند مگر نمیکنند و به هر دو قسمت و امر فری نباید تابعت وحدت عموم هم میبندان گردد و این مشاجرات لفظی را از بیخ و بن براندازد و روشن سازد که کرد و ترک رلر و قشقایی همه ایرانی و برادر و و برابرند بنابراین نامه کوهستان از آن اگر اد فقط و فقط نیست بلکه نامه کوهستان متعلق بجامه ایران و مدافع حقوق ایرانی و بالجهله اگر اد میباشد همانطور که آقایان اگر اد مایل هستند در ددل آنها در این نامه درج شود سایرین هم انتظار دارند مطالبی را که می پسندند در آن نامه بیسند.

انفوس ما از این است که آقای شیخ الاسلامی با آن قلمی که دارند اینقدر حق شنکی کنند و این همه ناروا روا دارند از خود بینی با فراتر ننگ دارند

ما هم مایل هستیم کردستان را بشناسیم ولی آقایان اگر اد هم باید سعی و کوشش نمایند فکر و طریقه و سلیقه سایر برادران ایرانی خود را بداند ۲۴/۳/۱۰ اسداه طباطبائی دیا